سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

شانس ترامپ برای بازگشت به کاخ سفید موجی از نگرانی در غرب آفریده است

بازگشت ترامپ و نگرانی‌ها

سیدمهدی طالبی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

همه‌نگران «بازگشت» ترامپند. بازگشت رئیس جمهور شکست خورده به رقابت‌های ریاست جمهوری آنقدر کم سابقه است که از سال ۱۸۹۲ تا پیش از رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴، تنها یک نفر (گروور کلیولند) پس از از دست دادن قدرت، نامزد انتخابات شده است. ترامپ دومین رئیس جمهوری است که می‌خواهد دوباره به قدرت بازگردد. این پدیده ریشه در شناسایی او به عنوان فردی «بدقلق»، «بدخلق»، با تفکرات و رفتارهای «عجیب» دارد. به موازات نگران‌کننده بودن چنین صفاتی، طرفداران رئیس جمهور سابق آمریکا او را اتفاقا به همین خاطر دوست دارند. پیوند شگفت‌آور میان ترامپ و طرفدارانش پدیده‌ای خطرناک می‌آفریند. یک طرف عجیب است و طرفدارانش نیز او را به خاطر این ویژگی دوست دارند.

روزنامه نیویورک تایمز اخیرا گزارش کرده مقامات آلمانی نگرانند ترامپ بار دیگر به کاخ سفید راه یابد. در این صورت برلین می‌ترسد سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) جان سالم به در نبرده و به شدت توسط ترامپ تضعیف شود؛ اگر آن‌گونه که جان بولتون مشاور امنیت ملی ترامپ گفته، وی از این پیمان به‌طور کامل خارج نشود.

ترامپ ماه گذشته به حامیانش در لاس‌وگاس گفته بود آمریکا از ناتو منفعت چندانی نمی‌برد و تنها هزینه‌هایش بر عهده واشنگتن است اما در صورت نیاز اقدامی برای کمک به کشورمان نمی‌کند. علاوه بر موضوع روابط نظامی میان کشورهای غربی، روابط اقتصادی نیز در معرض تهدید است. ترامپ در دوران ریاست جمهوری خود پس از آغاز جنگ تجاری با چین، چنین جنگی را با اتحادیه اروپا نیز آغاز کرد و این مجموعه را دشمن آمریکا خواند. او حتی ادعا کرده بود اروپا «بدتر» از چین با آمریکا رفتار کرده است.

کریستین لاگارد، رئیس بانک مرکزی اروپا و الکساندر دکرو، نخست‌وزیر بلژیک دو مقام برجسته اروپایی هستند که با افزایش اقبال به ترامپ در میان رای دهندگان اروپایی طی ماه‌های اخیر درباره خطر او موضع‌گیری کرده‌اند. لاگارد در مصاحبه با شبکه ۲ فرانسه، ترامپ را «تهدیدی بدیهی» برای اروپا خوانده است. الکساندر نیز در پارلمان اروپا خطاب به نمایندگان قاره سبز اعلام کرده بود ترامپ به کاخ سفید راه یابد دوباره «اروپا می‌ماند و خودش.»

عشق و نفرت با ناتو

اینکه ترامپ با ناتو دارای مشکل است موضوعی عیان به حساب می‌آید اما همچنان این تردید وجود دارد که وی با اصل سازمان دچار مشکل است یا خواهان تنظیم و تنبیه اعضای آن است که به وظایف خود عمل نمی‌کند!

«تیری برتون» فرانسوی که مسئولیت بازار داخلی اتحادیه اروپا را در اختیار دارد، اخیرا به بیان خاطره‌ای از ترامپ پرداخته است. برتون گفته ترامپ در دیدار با «اورسولا فون» رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا در مجمع جهانی اقتصاد در داووس، در ژانویه سال ۲۰۲۰ به وی گفته بود درصورتی که اروپا مورد حمله قرار گیرد «ما هرگز برای کمک و حمایت شما نمی‌آییم.» برتون که در این دیدار حضور داشته اضافه کرده که ترامپ ناتو را سازمانی «مرده» خطاب کرده است.

این اظهارنظر باعث شده تا ترامپ از سوی ستاد انتخاباتی بایدن مورد انتقاد قرار گیرد اما موضع‌گیری دموکرات‌ها در حالی که قادر به تضمین عدم روی کارآمدن رئیس جمهور پیشین نیستند، باعث احیای اعتماد به آمریکا در میان متحدانش نمی‌شود.

با این حال دقیق‌تر شدن نسبت میان ترامپ نیاز به بررسی‌های بیشتری دارد. در ادامه نکاتی در این خصوص آورده شده است.

۱ ترامپ نمی‌خواهد ناتو را به شکل هیات مدیره‌ای اداره کند. او نمی‌خواهد براساس ساختار ناتو و هنجارهای آن عمل کند زیرا این‌گونه قدرت مانور آمریکا کاهش می‌یابد. به همین دلیل وی می‌کوشد با ایجاد هراس در ناتو، این سازمان را به دنبال خود کشانده و خواسته‌هایش را بر سازمان و اعضایش تحمیل کند.

۲ آمریکا ۳٫۲ تولید ناخالص داخلی خود را به امور دفاعی اختصاص می‌دهد درحالی‌که اعضای ناتو با وجود تعهد برای اختصاص دو درصد از تولید ناخالص داخلی خود برای این امور، از آن طفره می‌روند. ترامپ به دنبال معکوس کردن این روند است. از نگاه ترامپ، با افزایش بودجه نظامی کشورهای عضو ناتو، آنها پول بیشتری برای خرید سلاح و مشاوره نظامی از آمریکا هزینه خواهند کرد.

اینکه اعضای ناتو در ماموریت‌های مشارکت بیشتری داشته باشند، خود باعث می‌شود آنها نیازمند کسب آمادگی تسلیحاتی و آموزشی بیشتری باشند که آن هم می‌تواند تقویت‌کننده بهره‌مندی آمریکا از درآمدهای نظامی باشد. همچنین خون آمریکایی‌ها در عملیات‌ها کمتر به زمین ریخته می‌شود.

۳ ابعاد گستردگی امور نظامی و امنیتی آمریکا در سراسر جهان، از ابعاد مدیریتی این کشور فراتر رفته است. این عدم توازن زیان‌بار بوده است. به نظر می‌رسد انزواگرایان در آمریکا که ترامپ نیز گرایش‌هایی مانند آنها دارد، با درک این موضوع به دنبال کاستن از ابعاد فعالیت‌ها برای قابل مدیریت کردن آن هستند. برون‌سپاری مالی و عملیاتی در ماموریت‌های ناتو به آنها کمک می‌کند تا اشراف بیشتری بر عملکرد خود داشته باشند.

باید در نظر داشت این نگاه تنها مختص ترامپ نیست. توافق برای اختصاص دو درصد از تولید ناخالص داخلی اعضا به امور نظامی در اجلاس سال ۲۰۱۴ سران ناتو در ولز حاصل شد. همچنین احاله مسئولیت به متحدان از سال ۲۰۱۱ در دستور کار آمریکا قرار گرفته است. هر دو این موارد مربوط به دوران ریاست جمهوری باراک اوباما رئیس جمهور اسبق و دموکرات آمریکا هستند.

۴ با توجه به تلاش‌های آمریکا و به‌ویژه ترامپ برای کاستن از ابعاد گسترش نظامی و ماموریتی آمریکا در جهان با احاله مسئولیت، ناتو یک گزینه خوب برای اجرای این سیاست است. به نظر نمی‌رسد ترامپ درصدد نابودی ناتو باشد بلکه قصد دارد آن را بازتنظیم کند.

۵ سیاست‌های ترامپ در ناتو مزایای این سازمان برای اعضا را کاهش و برای آمریکا افزایش خواهد داد اما می‌تواند به بروز واکنش‌هایی منجر شود. دولت‌ها وقتی تردید و تعلل آمریکا در دفاع از خود را ببینند، تلاش می‌کنند با رقبا و شاید دشمنان خود به تفاهم برسند زیرا نمی‌توانند به واشنگتن در یک درگیری اتکا کنند. جوزف برامل، مدیر بخش اروپایی کمیسیون سه جانبه انستیتو مشاوره اقتصادی، امنیتی، سیاسی و استراتژیک معتقد است ترامپ اروپا را دشمن خود می‌داند. او پیشنهاد داده تنها راه خروج از نظم جهانی ترامپ استقلال و اتحاد اروپا است. اروپایی‌ها که از دوران ترامپ بر طبق تشکیل ارتش اروپایی کوبیده‌اند، با توقف کمک‌های آمریکا به اوکراین، بودجه ۵۰ میلیارد یورویی برای کمک به کی‌یف تدارک دیده و از عزم خود برای مقابله با روسیه حتی بدون آمریکا خبر داده‌اند.

داخل آمریکا

جو بایدن رئیس جمهور فعلی آمریکا در کمپین انتخاباتی‌اش در ایالت نوادا، بازگشت ترامپ به کاخ سفید را «هولناک» توصیف کرده است. بایدن که با توجه به هراس مردم آمریکا از ترامپ موفق شد یکی از بالاترین آرا را در تاریخ انتخابات ریاست جمهوری این کشور کسب کند، همانند دوره گذشته در حال حرکت روی ریل «ترامپ‌هراسی» است. با این وجود او به دلیل ضعف در مدیریت دولت در نظرسنجی‌ها از ترامپ عقب افتاده است. این عقب‌افتادگی از ترامپ که ظرفیت‌های نگران‌کننده بالایی دارد، از عجایبی است که بایدن با ضعف مدیریتی‌اش موفق شده آن را بیافریند. طبق نظرسنجی ملی ان‌بی‌سی نیوز، ترامپ در برخی زمینه‌ها ۲۰ درصد آرای بیشتری از بایدن کسب کرده است.

با وجود عملکرد تاسف‌بار بایدن که باعث افزایش شانس ترامپ برای پیروزی در انتخابات شده است، همچنان نگرانی‌های داخلی از وی بسیار عمیق هستند. این نگرانی‌ها را می‌توان در چند حوزه دسته‌بندی کرد:

۱ مخالفان ترامپ نگران هستند او با توجه به ادعایش مبنی بر تقلب در انتخابات و تحت فشار قرار گرفتن از سوی دستگاه قضائی پس از پایان ریاست جمهوری بکوشد از قدرت خود برای انتقام از رقبایش استفاده کند.

۲ ترامپ در ابتدای حضور در کاخ سفید، ریاست جمهوری مادام‌العمر را تحسین کرده بود. او این موضوع را در قالب تمجید از مادام‌العمر شدن ریاست جمهوری شی جینگ پینگ در چین، ابراز کرده بود. وی همچنین پس از شکست در انتخابات ریاست جمهوری با تحریک هوادارانش به هجوم علیه کنگره در حین تایید پیروزی بایدن از نیت و اراده خود برای باقی ماندن در قدرت به هر قیمت پرده برداشت.

مخالفان ترامپ می‌ترسند او با قرار گرفتن مجدد در راس قدرت تمام تلاش خود برای باقی ماندن در این سمت را به کار گیرد.

- ترامپ به هوادارانش قول داده بزرگ‌ترین عملیات اخراج مهاجران را از آمریکا به راه خواهد انداخت. ضدیت ترامپ با مهاجران همراه با حمایتش از گروه‌های راست‌گرای افراطی باعث خواهد شد محیط داخلی آمریکا بار دیگر مستعد آشوب شود؛ همانند آشوب‌هایی که به دنبال کشته شدن «جورج فلوید» سیاهپوست سراسر آرمیکا را در سال ۲۰۲۰ درنوردید.

پناهجویان افغانستانی؛ قربانی اختلافات طالبان و دولت پاکستان

سجاد عطازاده
مترجم

عقیل شاه، دانشیار دانشگاه جورج تاون ایالات متحده و نویسنده کتاب «ارتش و دموکراسی: سیاست نظامی در پاکستان» در مقاله‌ای با عنوان «قربانی جدید پاکستان، چگونه اخراج افغانی‌ها از سوی اسلام‌آباد می‌تواند نتیجه معکوس داشته و سبب تقویت طالبان گردد»، که در وب‌سایت فارن‌افرز منتشر شده، به بررسی اختلافات جاری موجود بین طالبان افغانستان و دولت پاکستان پرداخته است و بر این باور است که اخراج بیش از یک میلیون افغانستانی از خاک پاکستان که با هدف اعمال فشار روی طالبان افغانستان برای مقابله با گروه‌های ضد دولت پاکستان انجام می‌گیرد، احتمالا راه به جایی نبرده و شاید سبب تقویت طالبان افغانستان نیز شود. دولت پاکستان به‌طور بدنامی در عادات و وظایف حاکمیتی خود شهره به بی‌تفاوتی است؛ اما در ماه‌های اخیر با قدرت شگفت‌انگیزی دست به عمل زده است. در ماه اکتبر، دولت موقت تحت حمایت ارتش این کشور اعلام کرد که همه «اتباع غیرقانونی» - اشاره‌ای نه چندان پنهانی به میلیون‌ها پناهجوی افغان که در پاکستان زندگی می‌کنند - باید تا اول نوامبر این کشور را ترک کنند و در غیر این صورت با دستگیری و اخراج مواجه خواهند شد. البته روی کاغذ این دستور حداقل در حال حاضر، مشتمل بر همه پناهجویان افغان نمی‌شود؛ یک میلیون افغان دارای مجوزهای قابل تمدیدی هستند که به آنها اجازه تداوم اقامت در پاکستان را می‌دهد. ۸۰۰ هزار نفر هم کارت موسوم به «شهروند افغانستانی» دارند که به آنها حق موقت اقامت می‌دهد؛ البته این افراد از همه مصونیت‌های مربوط به پناهندگان در حقوق بین‌الملل برخوردار نیستند. با این حال، حدود ۱٫۷ میلیون افغانستانی فاقد مدارک مورد نیاز حتی برای اقامت موقت هستند. این گروه که شامل بیش از نیم میلیون نفری می‌شود که پس از بازپس‌گیری قدرت توسط طالبان در اوت ۲۰۲۱ از افغانستان گریختند، اکنون در تیررس مقامات پاکستانی قرار دارند.

از زمان سپری شدن ضرب‌الاجل ماه نوامبر، مقامات محلی و پلیس سرکوب بی‌سابقه‌ای را در سراسر کشور آغاز کرده‌اند. آنها افغان‌ها را به شمول افراد دارای مدارک قانونی، مورد آزار و اذیت و بازداشت غیرقانونی قرار داده و اموال آنها را نیز ضبط و تخریب کرده‌اند. این کارزار بی‌امان هزاران پناهجوی افغانستانی را مجبور کرده است که زندگی زیرزمینی بیابند. تخمین زده می‌شود که ۴۵۰ هزار افغانستانی از بیم امنیت خود، به افغانستان و سرنوشت نامعلوم خود در کشوری که روزی از آن گریخته بوده‌اند، بازگردند.

این سرکوب ارتباط چندانی با مهاجرت غیرقانونی یا میزبانی تعداد زیادی از پناهندگان ندارد و در حقیقت نمودی از اختلاف فزاینده بین اسلام‌آباد و رژیم حاکم در کابل است. از سال ۲۰۲۱، پاکستان با موجی از حملات گروه موسوم به «تحریک طالبان» (که از آن به عنوان طالبان پاکستانی یا تی‌تی‌پی نیز یاد می‌شود) روبه‌رو شده است. این گروه شبه‌نظامی اسلام‌گرا و متمایز اما مرتبط با طالبان افغانستان، بیش از ۱۵ سال است که با استفاده از پناهگاه‌های امن در داخل خاک افغانستان به اهدافی در پاکستان حمله می‌کند؛ روندی که از سال ۲۰۲۱ هم شدت یافته است. پاکستان بیهوده تلاش کرده تا طالبان افغانستان، متحد سابق خود را وادار کند تا تی‌تی‌پی را مهار کند؛ اما طالبان با آنها به طور کامل همکاری نکرده و در عوض از اسلام‌آباد خواسته است که با تحریک طالبان پاکستان مذاکره کند و به خواسته‌های این گروه توجه کند.

در حقیقت تهدید تروریسمی که پاکستان با آن روبه‌رو است زاده یکی از تصمیمات نسنجیده خود آن برای حمایت از طالبان افغانستان است؛ آن هم در شرایطی که نیروهای این کشور در نبرد با نوع پاکستانی طالبان بودند. اسلام‌آباد که دیگر مستأصل شده است، اکنون افغانستانی‌ها را بیرون می‌کند تا بحران انسانی جاری در آن سوی مرزها را تعمیق کند و کابل را تحت فشار قرار دهد؛ اما این سیاست ممکن است برای دولت پاکستان نتیجه معکوس به همراه آورد و تنها ثمره آن ایجاد هرج‌ومرج بیشتر باشد؛ آن هم درحالی‌که انسان‌ها به یک توپ فوتبال سیاسی تبدیل می‌شوند و به آن سوی مرزها پرتاب می‌شوند.

استقبال سرد

هنگامی که شوروی در سال ۱۹۷۹ به افغانستان حمله برد، بسیاری از افغانستانی‌ها به پاکستان (و ایران) گریختند. بسیاری دیگر نیز زمانی که طالبان برای اولین بار در دهه ۱۹۹۰ به قدرت رسیدند به پاکستان پناه آوردند. آخرین موج نیز پس از بازگشت طالبان به قدرت در سال ۲۰۲۱ رخ داد. اگرچه پناهجویان افغان در ابتدا در پاکستان مورد استقبال قرار گرفتند، اما نگرش عمومی نسبت به آنها در طول زمان بدتر شده است؛ به‌ویژه در مراکز شهری مانند کراچی که بزرگ‌ترین کلانشهر این کشور به شمار می‌رود؛ جایی که تمرکز آنها سبب ایجاد اضطراب اقتصادی بی‌پایه و بیم از جایگزینی فرهنگی شده است. این باور گسترده که افغان‌ها باید همیشه قدردان سخاوت پاکستان باشند و کلیشه‌هایی که پناهندگان را به عنوان جنایتکاران غیرمتمدن، «تروریست»، «قاچاقچی» و «قاچاقچی مواد مخدر» معرفی می‌کند، روزانه باعث ایجاد سوءظن، خصومت و تبعیض نسبت به آنها می‌شود. بسیاری از افغان‌هایی که در پایان سال ۲۰۲۳ از پاکستان اخراج شدند، هرگز به افغانستان نرفته بودند. آنها در کشوری به دنیا آمده و بزرگ شده بودند که خانواده‌هایشان را از هرج‌ومرج آن سوی مرزها پناه داده بود.

آنچه سبب تأسف است این است که پناهجویان افغانستانی در بین دو دولت درگیر گرفتار شده‌اند. پاکستان، رژیم طالبان در افغانستان را به پناه دادن به گروه تحریک طالبان پاکستان متهم کرده است؛ اتهامی که طالبان قویا - هرچند به‌صورت غیرقابل قبول - آن را رد می‌کند. پاکستان که از انفعال کابل مضطرب شده و قادر به مقابله با حملات تحریک طالبان نیست، برای جبران شکست‌های خود افغانستانی‌های ساکن در پاکستان را هم قربانی و هم مهره می‌بیند و بنابراین آنها را اخراج می‌کند. انور الحق کاکر، نخست‌وزیر موقت پاکستان در رابطه با اخراج پناه‌جویان اظهار داشته است: «پس از عدم همکاری دولت موقت افغانستان، پاکستان تصمیم گرفته است که امور را به دست خود بگیرد و اقدامات اخیر اسلام‌آباد نه غیرمنتظره و نه تعجب‌آور هستند.» چند روز بعد، نماینده ویژه پاکستان در افغانستان، آصف درانی، طی مصاحبه‌ای پا را از این هم فراتر گذاشت و با اتمام حجت با کابل، اظهار داشت: «بین پاکستان و تی‌تی‌پی یکی را انتخاب کنید.» دولت پاکستان نسبت به گروه‌های قومی ساکن در مناطق مجاور با افغانستان، به‌ویژه پشتون‌ها، سوءظن ریشه‌داری دارد. پشتون‌ها که توسط یک مرز دوران استعماری معروف به خط دیورند به دو قسمت تقسیم شده‌اند، یک اقلیت قابل توجه در پاکستان به شمار رفته (بیش از ۱۸ درصد کل جمعیت این کشور) اما اکثریت را در افغانستان تشکیل می‌دهند و در بیشتر تاریخ این کشور نیز مسند حکومت در دستان آنها بوده است. پس از استقلال پاکستان در سال ۱۹۴۷، افغانستان از به رسمیت شناختن این مرز خودداری و با ورود پاکستان به سازمان ملل نیز مخالفت کرد. این مناقشه مرزی و البته ترس اسلام‌آباد از حمایت کابل از اهداف ناسیونالیستی پشتون در پاکستان، مدت‌هاست که اعتماد بین دو کشور را تضعیف کرده است. طنز ماجرا آنجاست که حتی طالبان افغانستان - گروهی که از لحاظ تاریخی روابط قوی با تشکیلات نظامی پاکستان داشته است — این مرز را به رسمیت نمی‌شناسند. پس از تهاجم ایالات متحده به افغانستان در سال ۲۰۰۱، ولسوالی‌های تحت مدیریت ضعیف در سمت پاکستان مرز به پناهگاه امنی برای طالبان و القاعده تبدیل شدند. این مناطق مرزی نفوذپذیر همچنان با گذشت بیش از دو دهه نقطه اشتعال به شمار می‌روند.

میوه تلخ

هنگامی که طالبان در سال ۲۰۲۱ به کابل حمله کرد رهبران نظامی و غیرنظامی پاکستان بازگشت به قدرت متحد دیرینه خود را جشن گرفتند. حاکمیت طالبان نشان‌دهنده پیروزی سیاست پاکستان مبنی بر ایجاد «عمق راهبردی» در افغانستان و ممانعت از یافتن جای پا برای هند در این کشور بود؛ اما شادی اسلام‌آباد دیری نپایید. پیروزی طالبان افغانستان باعث الهام و احیای تحریک طالبان پاکستان شد؛ گروهی ستیزه‌جو که با وعده سرنگونی دولت «کافر» پاکستان تاسیس شده است.

این گروه که در سال ۲۰۰۷ تشکیل شده است، در سال ۲۰۰۹ یک عملیات تروریستی طولانی را آغاز کرد که باعث کشته شدن هزاران غیرنظامی و پرسنل امنیتی گردید. پنج سال بعد، یک حمله وحشیانه از سوی این گروه به مدرسه‌ای که توسط ارتش در پیشاور اداره می‌شد، باعث کشته شدن بیش از ۱۳۰ نفر گردید که بیشتر آنها کودک بودند. مردم خشمگین پاکستان از حمله تلافی‌جویانه ارتش علیه تحریک طالبان حمایت کردند؛ عملیاتی که موفق شد پایگاه عملیاتی این گروه را در پاکستان از بین ببرد و در نتیجه بسیاری از رهبران این گروه به افغانستان گریختند؛ اما در سال ۲۰۲۱، طالبان، پیروز افغانستان هزاران جنگجوی تحریک طالبان پاکستان از جمله فرماندهان ارشد این گروه را که از سوی دولت سابق افغانستان زندانی شده بودند، آزاد ساخت. گروه تحریک طالبان پاکستان از آن زمان دوباره سازمان‌دهی شده است و اکنون کادری متشکل از ۷ تا ۱۰ هزار جنگجوی باتجربه دارد.

این گروه تحت رهبری مفتی نور ولی محسود، در حال حاضر از هدف قرار دادن کورکورانه غیرنظامیان خودداری می‌کند تا مبادا با واکنش گسترده‌تری روبه‌رو شود. تی‌تی‌پی حتی از هدف کلان خود، یعنی سرنگونی دولت پاکستان نیز چشم‌پوشی کرده و به جای آن بر ایجاد یک امارت اسلامی در امتداد مرز با افغانستان متمرکز شده است. یکی از خواسته‌های اصلی تحریک طالبان پاکستان این است که اسلام‌آباد وضعیت خودمختار ویژه‌ای را که این منطقه تا زمان الحاق آن به استان خیبر پختونخوا در سال ۲۰۱۸ در اختیار داشت، بازگرداند؛ اقدامی که به این گروه اجازه می‌دهد نسخه محلی از حکومت شریعت را ایجاد کند.

احیای مجدد این گروه، مقامات نظامی و اطلاعاتی پاکستان که برای مدتی تحریک طالبان پاکستان را به عنوان گروه نیابتی همسایگان متخاصم خود (عمدتا افغانستان و هند) مطرح ساخته و ارتباط آن را با طالبان افغانستان رد کرده بودند، گیج‌کننده بوده است. اگرچه این دو گروه دارای ساختارهای فرماندهی و سازمانی مجزا هستند، اما به ایدئولوژی دیوبندی، آرمان‌های جهادی و تاریخ مشترک وابسته هستند. جنگجویان تحریک طالبان پاکستان به شورش طالبان افغانستان علیه نیروهای ائتلاف تحت رهبری ایالات متحده و دولت سابق افغانستان کمک کردند. با در نظر گرفتن این روابط، طالبان افغانستان تسلیم فشارهای مستمر مقامات پاکستانی از جمله حملات هوایی بر مخفیگاه‌های مشکوک به حضور تحریک طالبان پاکستان در استان‌های خوست و کنر در آوریل ۲۰۲۲ که منجر به مرگ ۴۰ غیرنظامی و انتقادات شدید کابل گشت، نشدند. مقامات پاکستانی ادعا می‌کنند در رابطه با پایگاه‌ها و مخفیگاه‌های تحریک طالبان پاکستان در داخل افغانستان اطلاعات عملیاتی را با کابل به اشتراک گذاشته‌اند و انتظار دارند که رژیم طالبان علیه این ستیزه‌جویان دست به اقدام بزند.

اگرچه پاکستان برای خشم از متحدان خود در طالبان افغانستان دلایلی دارد، اما مشکل تروریسم در این کشور نتیجه مستقیم تصمیم ارتش برای تمایز بین طالبان «خوب» افغانستان و طالبان «بد» پاکستان است؛ آن هم بدون اینکه به ارتباطات جدانشدنی آنها توجه داشته باشد. هدف این سیاست حفظ عمق راهبردی در همسایه غربی پاکستان بود، اما اکنون آشکارا شکست خورده است. دسترسی تحریک طالبان پاکستان به پناهگاه‌های امن در افغانستان، دستان ارتش را بسته است؛ شرایطی که از جمله دلایل دیگر آن می‌توان به بحران اقتصادی حاد پاکستان، عدم وجود همان حمایت عمومی که به حمله ۲۰۱۴ علیه تحریک طالبان پاکستان کمک کرد و عدم حمایت سیاسی و مالی آمریکا از پاکستان که اسلام‌آباد در سال‌های پس از تهاجم ایالات متحده به افغانستان از آن برخوردار بود، اشاره کرد.

اهرمی اندک

رویارویی بین افغانستان و پاکستان - و اخراج‌های ناشی از آن - عواقب جدی خواهد داشت. هجوم صدها هزار پناهنده تنها سبب تشدید وضعیت انسانی وخیم کنونی خواهد شد. اقتصاد افغانستان تحت تحریم‌های ایالات متحده و خشکسالی شدید چندساله در حال خرد شدن است. نظام سلامت و سایر خدمات ضروری سقوط کرده است و بیش از نیمی از مردم افغانستان در سطوح حاد ناامنی غذایی و در زیرخط فقر زندگی می‌کنند. همچنین، بسیاری از اخراج‌شدگان ممکن است از نقض فاحش حقوق خود توسط رژیم طالبان، ازجمله دستگیری، بازداشت و شکنجه خودسرانه رنج ببرند. از آنجایی که طالبان تحصیل زنان را فراتر از دبیرستان ممنوع کرده است، زنان و دختران افغان با آینده بسیار بدی روبه‌رو هستند.

این بحران ساخته‌شده بدون شک طالبان افغانستان را عصبانی کرده است. این گروه نمی‌تواند به طور کامل از پاکستان که مسیر اصلی ترانزیتی این کشور محصور در خشکی را فراهم می‌کند، بزرگ‌ترین بازار صادراتی آن است و همچنین به عنوان فرستاده دیپلماتیک اصلی آن به سایر کشورهای جهان عمل می‌کند، چشم‌پوشی کند. احتمالا تحت فشار پاکستان، طالبان میزبان چندین دور گفت‌وگو بین دولت پاکستان و تحریک طالبان پاکستان در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ در کابل بود؛ مذاکراتی که منجر به آتش‌بس موقت شد اما درنهایت حاصلی نداشت. رژیم طالبان همچنین برخی از جنگجویان تحریک طالبان پاکستان را به مناطقی دور از مرز پاکستان منتقل کرده و افرادی را هم که در حمله به یک پاسگاه مرزی پاکستان در ماه سپتامبر دست داشتند، دستگیر کرده است.

اما طالبان افغانستان دیگر یک گروه شورشی وابسته به پناهگاه‌های امن پاکستان و حسن‌نیت اسلام‌آباد نیست. در راستای کاهش نفوذ اقتصادی اسلام‌آباد، رهبران طالبان دست نیاز به سوی ایران برای برخورداری از فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری، ازجمله دسترسی به بندر چابهار این کشور که برای افغانستان مقرون به صرفه‌تر است، دراز کرده‌اند. آنها اکنون اهرم فشار بیشتری روی شریک قبلی خود دارند و بنابراین می‌توانند بین مماشات و خشم - حتی زمانی که با مجازات روبه‌رو شوند - چرخش داشته باشند. طالبان اصرار دارد که مقصر خشونت‌های تحریک طالبان پاکستان نیست و اسلام‌آباد را به تلاش برای منحرف کردن توجه از مدیریت ناکارآمد درباره مشکلات امنیتی داخلی خود متهم کرده است. محمد یعقوب، مجاهد سرپرست وزارت دفاع طالبان هشدار داد که «پاکستان باید عواقب هر کاری را که انجام می‌دهد بسنجد و به اندازه‌ای که می‌تواند درو کند، بکارد.» بعید به نظر می‌رسد پاکستان سیاست اخراج پناه‌جویان افغانستانی را تغییر دهد، مگر اینکه رژیم طالبان بتواند به طور قابل اعتمادی به خواسته‌های اسلام‌آباد که عمده آنها بر محور عدم پناه دادن به گروه تحریک طالبان پاکستان می‌گردد، رسیدگی کند؛ اما طالبان افغانستان عجله‌ای ندارد تا همزمان خود را به قیمت آرام کردن اسلام‌آباد از خود دور کند. پاکستان بی‌رحمانه پناهندگان افغان را بدون توجه به رنج و امنیت آنها درگیر مناقشه‌ای دیپلماتیک کرده است. این سیاست ممکن است پیامد ناخواسته نزدیک‌تر کردن دو طالبان را به یکدیگر داشته باشد و حتی بدتر از آن، طالبان افغانستان را ترغیب کند تا فعالانه خشونت تحریک طالبان پاکستان را تشویق کند. پاکستان می‌تواند تجارت ترانزیتی افغانستان را مسدود کند و حملاتی به داخل خاک افغانستان انجام دهد اما چنین اقداماتی تنها به تنش‌ها دامن زده و به احتمال زیاد نمی‌تواند طالبان را برای کنار گذاشتن کامل گروه تحریک طالبان پاکستان متقاعد کند. به نظر می‌رسد هیچ راه‌حلی برای بحرانی که بار دیگر بسیاری از پناه‌جویان را آواره کرده است، وجود ندارد.